



The Nature of the Prophet Muhammad's (PBUH) Sharḥ Ṣadr in the Verse "Did We Not Expand for You Your Breast" Based on the Viewpoints of Narrations and Exegeses from Both Islamic Sects

Mahboubeh Mirzaei ¹

Abstract

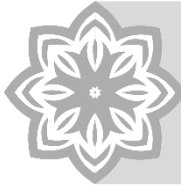
The narrations concerning the physical expansion of the Prophet's chest (Sharḥ'e Ṣadr) have led to interpretive disagreements among Sunni and Shia exegetes, thereby obscuring the meaning of the aforementioned verse. Most exegetes have regarded Sharḥ'e Ṣadr as metaphorical—symbolizing the broadening of the heart and spirit to receive revelation, deliver its message, and endure hardships. However, certain scholars from the 7th century AH, citing narrations about the physical opening of the Prophet's chest, washing of his heart, and its filling with knowledge and faith, have affirmed a literal, physical interpretation. These narrations first appeared in the third century AH among Sunni scholars and subsequently in the fourth century among Shia exegetes, often cited without critical scrutiny. Some Sunni scholars from the 7th, 9th, and 14th centuries AH have also supported this view. This study adopts an analytical-comparative method to trace the historical development and typology of perspectives on the nature of the Prophet's Sharḥ'e Ṣadr from the early centuries to the present. The findings indicate that the physical interpretation of Sharḥ'e Ṣadr is fundamentally untenable due to the speculative nature and internal inconsistencies of the relevant narrations - particularly in terms of time, place, agents involved, and the method of washing-as well as their conflict with the authentic narration of spiritual expansion, the clear verses (muḥkamāt) of the Qur'an, the context of the Surah, semantic instances based on chronological order of similar verses, and rational arguments. Moreover, the commonly understood and contextually consistent meaning of Sharḥ'e Ṣadr refers to spiritual openness. Accepting the physical interpretation would imply repeated impurity of the Prophet's heart, necessitating cleansing by others or angels - an implication that contradicts Divine Unity in action (Tawḥīd-i Af'ālī), the verse of purification (Āyat al-Taḥīr), and the doctrine of prophetic infallibility ('Iṣmah).

Keywords: Typology, Sharḥ'e Ṣadr, Physical Expansion of the Chest, Spiritual Expansion of the Chest, Splitting of the Prophet's Chest (PBUH).

Citation: Mirzaei, M (2025). The Nature of the Prophet Muhammad's (PBUH) Sharḥ Ṣadr in the Verse "Did We Not Expand for You Your Breast" Based on the Viewpoints of Narrations and Exegeses from Both Islamic Sects. *Narrative Quranic Research*, 1 (1), 68-86. (In Persian)

* Received: 2025/01/04, Revised: 2025/03/16, Accepted: 2025/04/10.

1. Level Four Seminary Student in Comparative Tafsir (Exegesis) Al-Zahra (S.A.) Higher Education Institute Research Center for Interdisciplinary Studies in Islamic Humanities, Al-Zahra (S.A.) Institute Isfahan, Iran.
Email: mahboob41491@gmail.com



ماهیت شرح صدر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

در آیه «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ»؛ بر پایه روایات و تفاسیر فریقین

محبوبه میرزایی^۱

چکیده

روایات شرح صدر جسمانی، سبب اختلاف بین مفسران فریقین و ابهام در معنای آیه مذکور شده است. غالباً مفسران، شرح صدر را تمثیلی از گستردگی سینه و کنایه از توسعه روح برای تلقی وحی و تبلیغ آن و تحمل ناملايمات در این راه دانسته‌اند؛ اما برخی از عالمان قرن هفتم، با استناد به روایت «شکافته شدن سینه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و شستشوی قلب و پر کردن آن از علم و ایمان»، شرح صدر جسمانی را پذیرفته‌اند. روایت مذکور ابتدا از قرن سوم، توسط عالمان اهل سنت؛ سپس در قرن چهارم، توسط مفسران شیعه، در کتاب‌های روایی و تفسیری، بدون اجتهاد ذکر شده است. برخی از عالمان اهل سنت در قرن هفتم، نهم و چهاردهم، شق صدر جسمانی را پذیرفته‌اند. در این پژوهش با روش تحلیلی - تطبیقی، سیر تاریخی گونه‌شناسی اقوال ماهیت شرح صدر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، از قرون اولیه تاکنون بررسی شد. آنچه در این جستار به دست آمد: به دلیل تعارض روایات ظنیة شق صدر و متهافت بودن آن از جهت زمان، مکان، جراحان و کیفیت شستن، با روایت صحیح شرح صدر روحانی، محکمات آیات قرآن، سیاق سوره مذکور، مصادیق معنایی بر اساس ترتیب نزول آیات دیگر شرح صدر و ادله عقلی، شق صدر جسمانی از اساس باطل است؛ زیرا افزون بر اینکه آنچه از شرح صدر، به ذهن متبادر می‌شود و در عرف به معنای شرح صدر روحانی، اطراد دارد، لازمه روایات شق صدر این است که از میان انبیاء الهی، قلب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هر چند سال آلوده شود تا به وسیله افرادی یا ملک، شست‌وشو داده شود که با توحید افعالی خداوند، آیه تطهیر و عصمت آن جناب منافات دارد.

واژگان کلیدی: گونه‌شناسی، شرح صدر، شرح صدر جسمانی، شرح صدر روحانی، شق صدر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم.

استناد: میرزایی، محبوبه (۱۴۰۴). ماهیت شرح صدر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، در آیه «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ»؛ بر پایه روایات و تفاسیر فریقین. قرآن‌شناخت روایی، ۱(۱)، ۶۸-۸۶.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۱.

۱. طلبه سطح چهار، رشته تفسیر تطبیقی مؤسسه عالی فاطمة الزهراء علیها السلام، مرکز پژوهشی مطالعات بین‌رشته‌ای علوم انسانی اسلامی فاطمة الزهراء علیها السلام، اصفهان، ایران. رایانامه: mahboob41491@gmail.com

بی‌تردید، روایات تفسیری صحیح در فهم دقیق متون اسلامی، به‌ویژه در تفسیر آیات قرآن کریم، از جایگاهی برجسته و غیرقابل انکار برخوردارند. یکی از آیاتی که به سبب روایات مرتبط با آن، محل اختلاف نظر میان مفسران مسلمان - اعم از شیعه و سنی - قرار گرفته، آیه نخست سوره انشراح است: «الْم نَشْرَح لَكَ صَدْرَكَ». برداشت غالب در میان مفسران متقدم و متأخر، آن است که شرح صدر در این آیه، معنایی معنوی و روحانی دارد و کنایه از گشایش درون، وسعت صدر، و آمادگی روح برای دریافت افاضات الهی، پذیرش وحی، تبلیغ رسالت، و تحمل دشواری‌های سنگین این مسیر است. از این منظر، شرح صدر نشانه ظرفیت بالای روحی و فکری رسول خدا ﷺ در برابر مأموریت عظیم الهی است.

با این حال، گروهی از مفسران، به‌ویژه از قرن هفتم هجری به بعد، با استناد به معنای لغوی «شرح» و نیز روایاتی که از شکافته شدن سینه پیامبر و شستشوی قلب او به دست فرشتگان سخن می‌گویند، شرح صدر را امری جسمانی تلقی کرده‌اند. در این نگاه، آیه شریفه ناظر به رخدادی عینی و فیزیکی است که به‌وسیله آن، قلب پیامبر از ناپاکی‌ها پاک و از علم و ایمان لبریز شده است. این تفسیر جسمانی، برخلاف دیدگاه مشهور پیشینیان است و با ابهاماتی در متن روایات و نیز ناسازگاری با سیاق آیات روبه‌روست.

بر این اساس، پژوهش حاضر در پی آن است که با رویکردی تحلیلی - تطبیقی، گونه‌های مختلف دیدگاه‌های مفسران شیعه و سنی را در طول تاریخ، نسبت به ماهیت «شرح صدر» در آیه مذکور بررسی و دسته‌بندی نماید. پرسش اصلی تحقیق آن است که مفسران فریقین از قرون اولیه تاکنون، چه قرائت‌هایی از این آیه ارائه داده‌اند و ادله هر یک از دو دیدگاه (روحانی و جسمانی) چیست؟ این بررسی، از آن جهت اهمیت دارد که فهم دقیق از شرح صدر پیامبر، نه تنها در تفسیر صحیح آیه مؤثر است، بلکه در درک ابعاد شخصیت رسول اکرم ﷺ، جایگاه عصمت، و نحوه تعامل او با وحی نیز تأثیرگذار خواهد بود.

۲ - پیشینه تحقیق

در سیر تاریخی شرح صدر رسول الله ﷺ در آیه مبارکه «الْم نَشْرَح لَكَ صَدْرَكَ»؛ (انشراح: ۱) روایات شرح صدر جسمانی مبنی بر «شکافته شدن سینه رسول الله ﷺ و شستشوی قلب و پر کردن آن از علم و ایمان» از قرن سوم در کتب تفسیری وارد و سبب اختلاف مفسران فریقین شده است. بسیاری از قدمای شیعه مانند شیخ مفید، شیخ صدوق، کلینی، به دلیل غیرواقعی دانستن این اخبار، اصلاً ذکر آن را ماجرأ نکرده‌اند؛ برخی نیز این واقعه را رد و نقد نموده‌اند. برخی از مفسران اهل سنت، شق صدر جسمانی را پذیرفته و آن را فضیلت رسول الله ﷺ دانسته‌اند.

در رابطه با موضوع مورد بحث تحقیقاتی صورت گرفته از جمله کتاب «شرح صدر در قرآن و روایات» در فصل ششم شرح صدر پیامبر بررسی شده است (میری، ۱۳۹۶)؛ همچنین مقاله «دیدگاه فریقین درباره آیه شرح صدر» ضمن تأیید شرح صدر روحانی به تعارض موجود در روایات ذیل آیه پرداخته است (ر.ک: بشوی، ۱۳۸۵). مقاله «حمایت‌های غیبی در زندگی پیامبر ﷺ» به امداد غیبی از جمله شرح صدر روحانی پرداخته است (جعفری، ۱۳۸۸). در مقاله «از پندار تا حقیقت» (کربلایی پازوکی، ۱۳۷۸) و همچنین مقاله «شق صدر و عصمت نبی» سرگذشت شق صدر رسول الله ﷺ تحلیل شده است (کربلایی پازوکی، ۱۳۸۵)؛ اما هیچ‌کدام سیر تاریخی شق صدر رسول الله ﷺ را بررسی و تحلیل نکرده‌اند.

وجه تمایز پژوهش حاضر نسبت به تحقیقات پیشین این است که این نوشتار درصدد است ابتدا از کتاب‌های معتبر لغت، مفهوم شرح صدر را اخذ کند؛ سپس با استنطاق از آیات محکم قرآن، سیاق سوره «شرح»، ادله عقلی و روایات صحیح‌السند، با تکیه بر تفاسیر فریقین، اعم از شیعه اثناعشری، معتزله، اشاعره، زیدیه، وهابیان، سلفیه و...، به صورت جریان‌شناسی، گونه‌های اقوال را از قرون اولیه تاکنون، بررسی و تحلیل نماید.

در این پژوهش با روش تحلیلی - تطبیقی، سیر تاریخی گونه‌شناسی اقوال ماهیت شرح صدر رسول الله ﷺ از قرون اولیه تاکنون بررسی شده است.

۳- مفاهیم

پیش از ورود به بحث شایسته است به مفاهیم مرتبط با پژوهش پرداخته شود:

۳-۱- شرح صدر

کلمه «شرح» در لغت به معنای باز کردن قطعات گوشت و امثال آن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۵۰)؛ بنابراین اصل شرح، توسعه دادن است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۷۷۰) کلمه «صدر» در لغت به معنای سینه و آغاز هر چیز است (جبران مسعود، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۰۶۳). از باب استعاره برای پیش و جلوی هر چیزی مانند صدر الکتاب، پیش‌گفتار کتاب و صدر الکلام، سرآغاز سخن به کار می‌رود (فیومی، ۱۴۰۵ق، ص ۳۳۵). گاهی صدر، کنایه از نفس انسان است که دارای فهم و درک است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۷۸). گاهی صدر ظرف قلب است (طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۷۲). اگر شرح و صدر مانند آیه «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ»؛ (انشراح: ۱) در کنار هم قرار گیرد، به معنای باز شدن و گستردگی سینه به نور الهی و سکینتی از ناحیه خدا و روحی از او (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۵۰) برای قبول حق است (فیومی، ۱۴۰۵ق، ص ۳۰۸) مراد خداوند متعال، از شرح صدر در آیه مذکور، معنای لغوی آن به معنای باز کردن و قطعه کردن سینه نیست؛ بلکه مراد معنای کنایی آن است. با توجه به اینکه صدر، ظرف قلب است و

هرگونه تأثر فکری و نفسانی و آثار معنوی مانند قلب یا سینه باز، روشن، گرفته، تاریک، بیمار و منحرف را به قلب نسبت می‌دهند؛ بنابراین مراد خداوند متعال از شرح صدر در آیه مذکور، باز شدن و گسترده‌گی قلب به نور الهی و سکینتی از ناحیه خدا است که برای سیر صعودی رسول الله ﷺ، در انجام رسالت و گسترش اسلام به ایشان افزوده شده است تا ضمن صعود از عالم طبیعت به عالم حقیقت، جامعه را به سوی خداوند هدایت نماید.

۲-۳- شرح صدر جسمانی

روایات متهافت و غیرقابل جمع مبنی بر «شکافته شدن سینه پیامبر ﷺ و شستشوی قلب و پر کردن آن از علم و ایمان» در برخی از کتاب‌های تفسیری وارد شده است؛ از این رو برخی با استناد به این روایات بر این باورند که شرح صدر رسول الله ﷺ، جسمانی است.

۳-۳- شرح صدر روحانی

شرح صدر روحانی عبارت از نیروی گیرنده و نورانیت فطری است که رشد نموده به ظهور برسد تا هر چه از حقایق و معارف به او القاء شود به موهبت وجودی، آن‌ها بیاموزد و به طور شهود آن‌ها را بیابد تا روح انسان بتواند به فضای بی‌نهایت کمال و فضیلت طیران کند و بر هر حقیقتی از معارف که نیرو و نورانیت خود را بکار بندد و به همان قدر بر آن احاطه بیابد و به فضائل خلقی متصف می‌گردد (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۱۹۴).

۴- گونه‌شناسی ماهیت شرح صدر پیامبر ﷺ

مفسران فریقین با توجه به قرینه‌های متصل و منفصل، آیه مبارکه «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ»؛ (انشرح: ۱) اقوال مختلفی در ماهیت شرح صدر روحانی رسول الله ﷺ بیان نموده‌اند. بسیاری از آنان بدون ذکر روایت شق صدر جسمانی، شرح صدر آن جناب را معنوی دانسته‌اند.

۴-۱- سیر تاریخی اقوال ماهیت شرح صدر روحانی پیامبر ﷺ

در سیر تاریخی ماهیت شرح صدر روحانی رسول الله ﷺ، ابتدا دیدگاه مفسران متقدم (تا قرن نهم)؛ سپس دیدگاه متأخران (از قرن دهم تا چهاردهم) و معاصر بیان می‌گردد.

۴-۱-۱- دیدگاه مفسران متقدم مبنی بر ماهیت شرح صدر روحانی پیامبر ﷺ

از مفسران قرن دوم، سوم و چهارم، ثابت بن دینار ابو حمزه ثمالی در «تفسیر القرآن العظیم»، حبری کوفی در «تفسیر الحبری» و تیمی در تفسیر «یحیی بن سلام التیمی البصری القیروانی» و نسائی در «تفسیر النسائی» سوره شرح را تفسیر نکرده‌اند. همچنین محمد بن قاسم استرآبادی در «تفسیر منسوب به امام حسن عسکری

«تفسیر العیاشی» و محمد بن مسعود عیاشی در «کتاب التفسیر» معروف به «تفسیر العیاشی» از سوره مذکور تفسیر ارائه نکردند؛ اما برخی با استناد به آیه «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ»؛ (انعام: ۱۲۵) نوشته‌اند نور رسالت در قلب، گنجینه‌ای برای حقایق است (تستری، ۱۴۲۳ق، ص ۱۹۹). از جمله مصادیق شرح صدر، وصایت علی علیه السلام و فتح مکه داخل شدن قریش در اسلام است (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۲۹) و یا برای هدایت و ایمان به خداوند و شناخت حق و نرم نمودن قلب و ظرفی برای حکمت رسول الله صلی الله علیه و آله است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰، ص ۱۵۱).

از مفسران قرن پنجم و ششم، هفتم و هشتم، برخی بر این باورند که سینه رسول الله صلی الله علیه و آله به دشمنی‌های جن و انس بر او تنگ شد پس از باب رحمت الهی، سینه و قلب او به سبب نبوت و علم، توسعه یافت (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۲۳۳؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۷۲؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۲۷۴) تا ضمن ایمان به خداوند، قیام به اداء رسالت نمود و بر ناراحتی‌ها و اذیت‌ها صبر کرد پس خداوند برای دفع حيله كفار و حفظ قرآن و شرایع اسلام، سینه او را پر از علم و حکمت نمود (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۷۷۱؛ جرجانی، ۱۳۷۸ق، ج ۱۰، ص ۳۹۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۷۷۱؛ ماوردی، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۹۷)؛ همچنین با مشاهده نور خداوند (سلمی، ۱۳۶۹، ص ۶۳) مشغله‌هایی که مانع ادراک حق است، زائل نمود و سینه‌اش را با آیات و وعده فتح، خشنود گردانید (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۴۶۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳۲۱؛ قاضی عبدالجبار، بی‌تا، ج ۳، ص ۶۹۵) تا با نیروی ایمان آرامش یافته و دچار ضیق صدر و بی‌حوصلگی نشود (نسفی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۵۳۶)؛ همانگونه که قبل از فنا به دلیل تنگی ظرف وجودی و امتناع از پذیرش وجود تجلی ذاتی الهی، از حق پوشیده شده بود؛ پس زمانی که با وجود حقانی به سوی خلق بازمی‌گردد، خداوند سینه او را با نور خود برای دعوت و اجرای حقایق اخبار وسعت بخشید (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۴۱).

۴-۱-۲- دیدگاه مفسران متأخر مبنی بر ماهیت شرح صدر روحانی پیامبر صلی الله علیه و آله

مفسران قرن دهم، یازدهم، دوازدهم و چهاردهم بر این باورند که با توجه به اینکه صدر انسان محلّ حالات روح و خزینه اسرار علوم و ادراکات و قوا و اراده‌ها و غیر آن است، از این رو، تصدیق به قدرت الهی و کمالات انسانی به شرح صدر، تعبیر می‌شود (ابوالسعود، ۱۹۸۳، ج ۹، ص ۱۷۳). گشودن قلب برای پذیرش اسلام و احکام از بزرگ‌ترین فتوحات الهی است تا حقیقت باکلیت امور و تحولات بی‌پایان آنکه از اسماء و صفات اوست در قلب بسط پیدا کند که خلافت تنها از این توضیح و بسط حاصل می‌شود (نخجوانی، ۱۹۹۹، ج ۲، ص ۵۱۸) شرح صدر رسول الله صلی الله علیه و آله عبارت از تنگ نشدن سینه‌ی او از جمیع بین کثرت‌ها و وحدت و دعوت خلق و عبادت حق است. (سلطان‌علی‌شاه، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۵۷۳) شرح صدر موهبت وجودی و اعطاء

مقام و منصب رسالت است تا ضمن آنکه قلب رسول الله ﷺ هرگز متزلزل و زوال پذیر نباشد؛ روح قدسی او برای تعلیم و آموزش تعلیمات غیبی و القاء الهامات ربوبی و مبارزه با دنیای کفر و شرک و صبر و بردباری در برابر افتراءات کفار آماده شود (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۱۹۵).

در این صورت شرح صدر یعنی ای کامل ترین فرستادگان، تو را برای خلافت، نمایندگی و رسالت برگزیدیم و دلت را برای پذیرش اسلام و گسترش آن و ابلاغ به عموم مردم گشودیم (نخجوانی، ۱۹۹۹، ج ۲، ص ۵۱۸)؛ همچنین به واسطه ولایت و وصایت علی علیه السلام فتح مکه و دخول قریش در اسلام سینهات را وسعت دادیم (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۴۴؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۶۸۹؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۶۰۳) تا از سرگردانی که در آن دلتنگ می شدی، بیرون آوردیم و راه هدایت آنان را رهنمون شدی و نگرانی هایت را دور کردیم و تو را با خیالی آرام و مطمئن به یاری و نصرت الهی و با علم کامل، به خود راضی ساختم. (مراغی، بی تا، ج ۳۰، ص ۱۹۰) تا بار سنگینی را که به واسطه مسائل دعوت و موانع سختی که بر دوش خود احساس کرده است را با یاری خداوند و گسترش و رزق و اعتبار برطرف کنی (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۶، ص ۳۹۳۰).

۴-۱-۳- دیدگاه مفسران معاصر مبنی بر ماهیت شرح صدر روحانی رسول الله ﷺ

برخی با استناد به «وَلَقَدْ نَعَلِمَ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ» (حجر: ۹۷) بر این باورند که شرح صدر در حقیقت نقطه مقابل ضیق صدر است و کنایه از سرور و انبساط نفس و توسعه دادن به روح و فکر پیامبر ﷺ است که ضمن وسعت علمی پیامبر از طریق وحی و رسالت، تحمل و استقامت او در برابر لجاجت ها و کارشکنی های دشمنان و مخالفان بسط و گسترش یابد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۷، ص ۱۲۲)؛ به گونه ای که رسول الله ﷺ با نفس راضیه و قلبی مطمئن، به عالی ترین وجهی مشکلات رسالت اعم از دعوت و تحمل سختی ها، وظائف خود را در این طریق به خوبی انجام دهد (حجازی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۸۷۸). گرفتاری رسولان، فشار روحی و گرفتگی سینه آن ها، ناشی از فشار وحی و سنگینی رسالت است. در آغاز وحی و فرمان رسالت، از یک سو مقهور پیام های پی در پی وحی و از سوی دیگر قدرتمندان و بت سازان و در پی آن ها توده مردم، در برابر رسولان سخت می ایستادند؛ بنابراین اثر شرح صدر، بیرون آمدن از حال تردید و تصمیم در کار و تحمل دشواری ها و اطمینان نفس است (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۱۵۲؛ طیب، ۱۳۶۹، ج ۱۴، ص ۱۵۳؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۳۰، ص ۳۵۲).

برخی با استناد به سیاق آیه «فَالرَّبُّ اشْرَحَ لِي صَدْرِي» (طه: ۲۵) بر این باورند که شرح صدر، از باب استعاره تخیلیه، کنایه از این است که قلب رسول الله ﷺ ضمن وسعت، حقائق و معارفی که به وی القاء می شود را بپذیرد و از پذیرش آن به تنگ نیاید (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۳۱۵) تا برای تحمل آزار قوم

و جمع بین دعوت خلق و اشتغال به عبادت حق، قابل باشد (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۵، ص ۴۰۴). آن حضرت با باز شدن و گستردگی سینه به نور الهی و سکینتی از ناحیه خدا (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۳۱۵) در برابر آن همه آزارها، قوش را نفرین نکند؛ چنانچه در فتح مکه اعلام عفو عمومی نمود (قرائتی، ۱۳۸، ج ۱۰، ص ۵۲۴). بنابراین شرح صدر به معنای زدودن حیرت، اضطراب، نگرانی و اندوه سینه و گشودن سینه به نور الهی و روح ربانی و سکینه قلبی به نور معرفت و محبت الهی است (خطیب، ۱۴۲۴، ج ۱۶، ص ۱۶۰۷؛ امین، بی تا، ج ۱۵، ص ۱۷۸).

برخی از مفسران فریقین با استناد به روایت صحیحہ ذیل آیه شریفه ﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ...﴾ (انعام: ۱۲۵) بر این باورند که شرح صدر به معنای نور معنوی است که روح را برای معارف حق گسترش می دهد؛ در این صورت نور به مثابه مرکب اوست (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ج ۲۷، ص ۱۰۹-۱۱۶). از مفسران اهل سنت روایت «قَالُوا: كَيْفَ يَشْرَحُ صَدْرَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: نُورٌ يَقْدَفُ فِيهِ فَيَنْشَرُ لَهُ وَيَنْفَسِحُ، قَالُوا: فَهَلْ لِدَلِّكَ مِنْ أَمَارَةٍ يُعْرَفُ بِهَا؟ قَالَ: الْإِنَابَةُ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَالتَّجَافِي عَنِ دَارِ الْغُرُورِ وَالاستِعْدَادِ لِلْمَوْتِ قَبْلَ الْمَوْتِ» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۸، ص ۲۱) آمده است؛ همچنین از مفسران شیعه با همین مضمون وارد شده است (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۵۶۱؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۶۰۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۳۴۴؛ سلطان علی شاه، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۵۷۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۲، ص ۲۰۷؛ طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۱۵۳) اما وقتی این آیه فوق نازل شد، از پیامبر گرامی پرسیدند: منظور از گشایش سینه چیست؟ فرمود: نوری است که خدا در دل مؤمن می افکند و سینه اش را به وسیله آن گشایش و روشنی می بخشد. پرسیدند: آیا این نور نشانه ای دارد، که شناخته شود؟ فرمود: آری، توجه به سرای جاودانی و کناره گیری از سرای فانی و مهیا شدن برای مرگ پیش از فرود آمدن مرگ است.

۵- سیر تاریخی اقوال ماهیت شرح صدر جسمانی پیامبر ﷺ

بسیاری از مفسران فریقین روایات شرح صدر جسمانی را بیان نموده، سپس با دیدگاه های متفاوتی با آنها برخورد کرده اند؛ برخی بدون اجتهاد روایت را ذکر نموده اند؛ برخی ضمن پذیرش شرح صدر روحانی، نیز روایات شق صدر را پذیرفته و آن را فضیلت پیامبر ﷺ دانسته اند؛ برخی با ذکر روایت آن را نپذیرفته و نقد نموده اند. در سیر تاریخی ابتدا دیدگاه مفسران متقدم (تا قرن نهم) سپس دیدگاه متأخران (از قرن دهم تا چهاردهم) و معاصر بیان می گردد.

۵-۱- دیدگاه مفسران متقدم مبنی بر ماهیت شرح صدر جسمانی پیامبر ﷺ

از مفسران قرن سوم، چهارم و پنجم، ضمن ذکر حدیث شق صدر رسول الله ﷺ بدون اجتهاد، بر این باورند که شرح صدر به واسطه ایمان رسول الله ﷺ (هواری، ۱۴۲۶، ج ۴، ص ۴۶۸) و یا به واسطه علی علیه السلام و

وصایت او است (کوفی، ۱۴۱۰، ص ۵۷۴)؛ همچنین خداوند به واسطه وسعت بخشیدن قلب رسول الله ﷺ، غم و اندوه و تنگی و سختی را از آن برطرف نمود؛ زیرا در ابتدا شنیدن وحی برای رسول الله ﷺ سخت بود؛ پس به جبرئیل نگاه کرد؛ سپس خداوند قلب او را برای شنیدن وحی وسیع نمود (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۵۳۴).

برخی از مفسران قرن هفتم، هشتم و نهم، در جواب کسانی که روایت شق صدر را به علت وقوع در طفولیت و عدم جواز تقدم معجزه، بر نبوتش رد نموده‌اند، می‌فرمایند: شق صدر از باب الارهاص (زمینه‌سازی برای وقوع بعثت انبیا) است و خداوند متعال هر چه بخواهد انجام می‌دهد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۲، ص ۲۰۷). برخی با صیغه تمریض «قیل» که نمایانگر ضعف اقوال است، می‌فرمایند: اشاره به روایت شق صدر جسمانی رسول الله ﷺ در روز میثاق است (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۳۲۱) و یا شاید واقعه لیلۃ الإسراء، در سن بیست و چند سالگی یا ایام کودکی رسول الله ﷺ باشد که با شرح صدر معنوی منافاتی ندارد (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۴۱۶؛ ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۶۰۴)؛ سپس با استناد به آیه ۱۲۵ سوره انعام گوید: شرح صدر مربوط به علم و اطاعت است. خداوند همه نگرانی‌های رسول الله ﷺ را به ذلت دنیا و کمال آخرت از سینه‌اش دور کرد و به اندازه‌ای گشود (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۲، ص ۲۰۷) تا سینه‌اش برای تلقی وحی و قبول رسالت قابل و بر ناسازگاری‌ها و آزارهای کفار بردبار شد (ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۵۰۰).

۵-۲- دیدگاه مفسران متأخر مبنی بر ماهیت شرح صدر جسمانی پیامبر ﷺ

از مفسران قرن دهم، سیزدهم و چهاردهم، برخی ضمن بیان روایت شق صدر رسول الله ﷺ نوشته‌اند: با نور علم و حکمت سینه‌ات را باز و قلبت را وسیع کردیم تا سینه‌ات برای پذیرش اسلام قابل شد (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳۶۴). برخی نیز بر این باورند که از مصادیق شرح صدر، گشودن سینه با نور الهی و آرامشی از جانب خداوند است تا تبیین کلام نور و تحمل مصیبت و حفظ راز ربوبیت آسان و تعلقات جسمانی نداشته باشد و احاطه بر عالم غیب و شهادت پیدا کند. همانگونه که برای رسول الله ﷺ شرح صدر در عالم حقیقت بود به ظاهر نیز در پنج یا شش سالگی، در شب معراج و به هنگام نزول وحی، چند بار سینه‌اش را شکافتند (حقی بروسوی، بی تا، ج ۱۰، ص ۴۶۲).

برخی نیز بر این باورند که شرح صدر کنایه از برکت دادن او به کمالاتی که روح پاکش آرزوی آن را دارد و رضایت خداوند است؛ همچنین جایز است شق صدر جسمانی و اشاره به روایات شق صدر جسمانی رسول الله ﷺ باشد؛ گرچه روایات مذکور در زمان و مکان متفاوتند؛ ولی همگی در مکه اتفاق افتاده است و دلالت بر معجزه دارد (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۳۶۱). شرح در خشنودی نفس، شایع است؛ گر

چه بعید نیست که حقیقت عرفیه باشد، وقتی که تعلق به قلب داشته باشد شرح قلب گفته می‌شود؛ یعنی قلبش خشنود شد؛ زیرا قلب ظرف نفس است و معمولاً باید خانه را با لذت باز کرد و وسعت داد. معنای آیه گشودن سینه برای عوالم غیب و شهادت است؛ سپس با «قیل» که نمایانگر ضعف اقوال است، چهار روایت شق صدر جسمانی رسول الله ﷺ را آورده‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵، ص ۳۸۶)؛ اما غالباً مفسران شرح صدر را امر معنوی می‌دانند (زحیلی، ۱۴۱۱ق، ج ۳۰، ص ۲۹۵).

۳-۵- دیدگاه مفسران معاصر مبنی بر ماهیت شرح صدر جسمانی رسول الله ﷺ

از مفسران معاصر برخی نیز روایات شق صدر جسمانی و روایات شرح صدر روحانی را با قول «قیل» آورده‌اند و بر این باوراند که این اقوال نه تنها باهم منافاتی ندارند؛ بلکه مکمل یکدیگرند؛ گرچه شرح صدر روحانی رسول الله ﷺ عام‌تر و وسیع‌تر از این اقوال است تا جایی که شامل صبر و گذشت از دشمنان و خوبی در مقابله بدی‌ها هم می‌شود (شنقیطی، ۱۴۲۷ق، ج ۹، ص ۱۷۴). بنت‌الشاطی از قرآن‌پژوهان معاصر، پس از ذکر روایت شق صدر، اقوال مفسران متقدم و متأخر که شرح را به معنای وسعت معنوی برای هدایت و ایمان به خداوند و معرفت حق یا ظرفی برای حکمت دانسته‌اند را قبول نموده است (بنت‌الشاطی، بی‌تا، ص ۵۸).

۶- ارزیابی دیدگاه ناظر به شرح صدر جسمانی رسول الله ﷺ

برخی مفسران و اندیشمندان فریقین به دلایلی وقوع شرح صدر جسمانی را نمی‌پذیرند و ضمن نقد روایت شق صدر جسمانی می‌فرمایند: بهترین معنی شرح صدر همان است که در فارسی پر حوصلگی می‌نامند؛ چنانکه «ضَيْقًا حَرْجًا» (انعام: ۱۲۵) را می‌توان تنگ‌حوصلگی نامید (عاملی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۶۱۱). بدیهی است که منظور از این حدیث، این قلب جسمانی نیست؛ بلکه کنایه و اشاره‌ای به امداد الهی از نظر روحی و تقویت عزم و اراده پیامبر ﷺ و پاک‌سازی او از هرگونه نقایص اخلاقی و وسوسه‌های شیطانی است؛ ولی به هر حال دلیلی نداریم که آیه مورد بحث اشاره به خصوص این ماجرا باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص ۱۲۲).

همچنین دانشمندان اسلامی مباحثی مفصل پیرامون مفاد این روایات کرده‌اند که همه این بحث‌ها بر اساس این پندار است که جریان يك جریان مادی بوده و به همین جهت وجوهی را ذکر کرده‌اند که اصل و اساس بحث، باطل و نقل آن بیهوده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۳۱۵). چگونه کتب تفسیری و حدیثی چنین اخباری را نقل می‌کنند که اگر با ترازوی عقل و عقلانیت، سنجیده شود، از نظر حقیقت و واقعیت، وزانتی ندارد. اگر این روایات شبیه کمدمی یا تراژدی گسترش یابند، در تمام حقایق دین تردید وارد

می‌شود؛ در صورتی که دیگر آیات قرآن دلالت بر شرح صدر روحانی دارد (خطیب، ۱۴۲۴ق، ج ۱۶، ص ۱۶۰۷) عالمان دین، دلایلی بر شرح صدر معنوی اقامه نموده‌اند.

۱-۶- اطراد و تبادر

افزون بر اینکه آنچه از شنیدن شرح صدر به ذهن متبادر می‌شود و در عرف به معنای شرح صدر روحانی، اطراد دارد؛ برای فهم شرح صدر در آیه نخست سوره انشراح لازم است به آیات دیگر قرآن که شرح صدر در آن آمده است توجه نمود تا معنای واقعی آن به دست آید. با ضمیمه کردن آیه «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» به آیات «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» (طه: ۲۵) و «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِإِسْلَامٍ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ...» (زمر: ۲۲) به دست می‌آید که شرح صدر در آیه مزبور، گشودن به نور الهی و آرامش از وجه و روح الهی است؛ از این رو مجالی برای شق صدر و درآوردن قلب و شستشو باقی نمی‌ماند (بنت الشاطی، بی تا، ص ۵۹).

۲-۶- سیاق آیات سوره انشراح

سیاق آیات «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ* وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ* الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ» (انشراح: ۱-۳) که مضمون هر یک مترتب بر آیه قبل است؛ حاکی از موارد شرح صدر رسول الله ﷺ در طول رسالت است. «وِزْرًا» عموماً به سنگینی‌های معنوی، مانند مسئولیت و تعهد گفته می‌شود و تعبیر دیگری از ضیق صدر است (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۱۵۸). سنگینی شنیدن وحی، دیدن ملائکه، اظهار نبوت و نماز و یا سنگینی اذیت کفار و غم‌هایی است که از آنان بر رسول الله ﷺ می‌رسید یا اصلاح مسلمین و نگه‌داشتنشان بر دین است (سلطان‌علی‌شاه، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۵۷۳). خداوند متعال، نام رسول الله ﷺ را در دنیا و آخرت بلند نمود. «وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ»؛ (انشراح: ۴) پس هر شهادت‌دهنده و نمازگزاری ندا می‌کند «أشهد أن لا اله الا الله و أشهد أن محمداً رسول الله ﷺ» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۷۷۲) که یکی از مصادیق آن در روز فتح مکه و دخول قریش در اسلام است.

آیه «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (انشراح: ۵) یعنی هرگونه وزر و سنگینی که راجع به بار نبوت و تبلیغ و ارشاد و تکلیف، تصور شود از او برداشته و مشکل‌ها بر او آسان شد (امین، بی تا، ج ۱۵، ص ۱۷۹؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۱۵۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۳۱۵؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۳۰، ص ۳۵۲؛ ابوالسعود، ۱۹۸۳، ج ۹، ص ۱۷۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۲۳۳؛ مراغی، بی تا، ج ۳۰، ص ۱۹۰) «فَإِذَا فَرَعْتَ فَإَنْصَبْ» (انشراح: ۷) یعنی پس از آنکه از تبلیغ رسالت فارغ شدی علی‌الکلیه را برای ولایت تعیین کن و او را وصی خود قرار ده؛ پس رسول الله ﷺ «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاً، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ» را در روز غدیر خم فرمود (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۶۰۶).

۶-۳- قرینه مقابله در ضیق صدر کفار و شرح صدر روحانی، معنوی

شرح صدر مقابل ضیق صدر است (طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۷۲). آیات متقابل شرح صدر رسول الله ﷺ آیات ۱۲۵ سوره انعام، ۱۰۶ سوره نحل و ۹۷ سوره حجر قابل رهگیری است در این آیات شرح صدر برای کفر، در سیاق وعید و ضیق صدر در مقابل شرح صدر، شاهدهی برای معنوی بودن شرح صدر رسول الله ﷺ در (انشراح: ۱) و اطمینان نفس، هدایت به ایمان و رسیدن به یقین است (بنت الشاطی، بی تا، ص ۶۰). لفظ «صدر» در قرآن کریم، با لفظ شرح و ضیق و حرج به کار رفته است (هود: ۱۲؛ اعراف: ۲؛ حجر: ۹۷؛ شعراء: ۱۳؛ انعام: ۱۲۵)؛ در حالی که هیچ کدام به معنای شرح صدر جسمانی و مادی به کار نرفته است؛ بلکه یا در سیاق ایمان، هدایت، نور الهی و شفاعت یا در سیاق ضیق، حرج، عسر، طمس، ضلال و غل است (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۳۰، ص ۳۵۲؛ بنت الشاطی، بی تا، ص ۶۱). افزون بر اینکه اگر لازمه شرح صدر عمل جراحی باشد باید لازمه ضیق صدر هم عمل جراحی باشد تا سینه را برای کفر وسعت دهند؛ در صورتی که تاکنون اخبار دال بر شکافتن سینه و دخول کفر در آن نرسیده است.

۶-۴- مصادیق معنایی شرح صدر رسول الله ﷺ بر اساس ترتیب نزول

نزول تدریجی قرآن کریم، در فرایند تکامل مفهوم یک واژه یا اصطلاح خاص قرآنی، تأثیرگذار است. این مفاهیم، متناسب با بافت جامعه معاصر نزول، در طول رسالت به منصفه ظهور می‌رسد؛ بنابراین ضرورت دارد با استناد به سیر نزول آیاتی که در بردارنده شرح صدر و یا الفاظ مرتبط با آن هستند، موارد شرح صدر رسول الله ﷺ در طول رسالت، تفسیر شوند تا افزون بر اینکه اختلاف مذکور رفع گردد، تفسیری متناسب با مراتب سعه وجودی رسول الله ﷺ به دست آید.

پنج آیه از آیات مکی، «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» (انشراح: ۱)؛ «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» (طه: ۲۵-۲۶)؛ «وَلَقَدْ نَعَلْنَا لَكَ إِسْرًا بِمَا يَقُولُونَ» (حجر: ۹۷)؛ «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ» (انعام: ۱۲۵)؛ «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ» (زمر: ۲۲)؛ در بردارنده کلمه شرح صدر و صدر است. در دو آیه از آیات مدنی «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» (نصر: ۱)؛ «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا... وَيَنْصُرُكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا» (فتح: ۱-۲) کلمه فتح و نصر به کار رفته است که با توجه به روایات ذیل آن دلالت بر شرح صدر رسول الله ﷺ، دارد.

با استناد به سیر نزولی آیات شرح صدر رسول الله ﷺ، در طول رسالت، لازمه شرح صدر رسول الله ﷺ، عبارت است از اینکه ابتدا افزون بر اینکه روح رسول الله ﷺ برای تلقی وحی و قبول رسالت، توسعه یابد (طه: ۲۵-۲۶)، نفس آن حضرت نیز برای تحمل آزار قوم، سرور و انبساط داشته باشد (حجر: ۹۷؛ نسفی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۵۳۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۳۶۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۴۴)؛

ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۵، ص ۴۰۴؛ زحیلی، ۱۴۱۱ق، ج ۳۰، ص ۲۹۵؛ طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۱۵۴)؛ سپس به واسطه مرکبی از نور بتواند با موت اختیاری، ضمن صعود از عالم طبیعت به عالم حقیقت، با رهبری جامعه آنان را هدایت نماید (انعام: ۱۲۵؛ امین، بی تا، ج ۱۵، ص ۱۷۹). لازمه رساندن جامعه به مطلوب الهی، انقیاد محض، اعتدال و مقام رضاست تا وحی الهی را بدون دخل و تصرفی تبیین نماید (زمر: ۲۲؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۵، ص ۲۲۹). ثمره هدایت، فتح مکه و دخول قریش در اسلام است (نصر: ۱) (تستری، ۱۴۲۳ق، ص ۱۹۹؛ قمی، ج ۲، ص ۴۲۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۴۴؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۶۰۳؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۵، ص ۴۰۴). در این مراتب پنج گانه روایت «شرح صدر به واسطه علی علیه السلام» ذیل اولین آیه نازل شده نمود دارد (انشراح: ۱). در پایان، شرح صدر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، به واسطه فتح و نصرت الهی، در گسترش اسلام است (فتح: ۱-۲؛ عاملی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۱۱)، که با توجه به روایت «قَالَ بَعَلِّي: فَجَعَلْنَا وَصِيكَ» شرح صدر به واسطه ولایت علی علیه السلام است (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۲۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۴۴؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۶۸۹؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۶۰۳؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۵، ص ۴۰۴) که به واسطه ولایت علی علیه السلام، در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و پس از آن حضرت، به واسطه ولایت علی علیه السلام، و اولاد طاهربینش، دلالت بر گسترش اسلام می کند. همراهی علی علیه السلام، و اولاد طاهربینش آرامش و سکینتی برای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، است این فتح و نصرت به واسطه اولاد علی علیه السلام، تا ابد ادامه دارد.

۵-۶- تهافت در روایات شرح صدر جسمانی

روایات دال بر شرح صدر جسمانی از چند جهت متهاافت و غیر قابل جمع است.

۶-۵-۱- تهافت در زمان

در برخی از این روایات موضوع شکافتن سینه به دوران طفولیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نسبت داده شده برخی روایات وقوع چنین حادثه‌ای را در دو سالگی، چهار سالگی، پنج سالگی، ده سالگی، بیست سالگی و در چهل سالگی هنگام بعثت، هنگام معراج رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و یا در عالم ذر و روز میثاق حکایت می کنند (بشوی، ۱۳۸۵، ص ۵۷).

۶-۵-۲- تهافت در مکان

در برخی روایات این حادثه در صحرا، پشت خانه‌ها و هنگام چرانیدن گوسفندان، درون وادی، هنگام نزول سوره علق در غار حرا، شب معراج، نزد حطیم، نزد حجر در حال خواب و بیداری و یا کنار چاه زمزم، به وقوع پیوسته است (همان).

۶-۵-۳- تهافت در فاعل

طبق برخی از روایات عمل جراحی آن حضرت ﷺ تنها توسط جبرئیل، سه نفر، توسط دو پرنده، دو مرد سفیدپوش و یا توسط دو ملک انجام شده است (همان).

۶-۵-۴- تهافت از حیث شستن

در برخی روایات آمده که به وسیله آب برف، با آب سرد و یا با آب زمزم قلب و بطن آن حضرت ﷺ را شستند (همان).

۶-۵-۵- تهافت در آنچه از قلب رسول الله ﷺ بیرون آوردند

در برخی روایات نقل شده که سیاهی در قلب، لخته خون، دو علقه سیاه و یا کینه و حسد و چیزی شبیه علقه بوده است (همان).

۶-۵-۶- تهافت در چیزی که در قلب رسول الله ﷺ گذاشتند

در برخی روایات سکینه، مهر نبوت، ایمان، یقین، اسلام و حکمت و یا چیزی شبیه نقره در قلب آن حضرت ﷺ گذاردند. تغایر در این حد از گستردگی، خود دلیل بر بطلان این روایات است (همان)؛ بنابراین قصه به هیچ عنوان قابل جمع نیست.

۶-۶- تناقض روایات شق صدر با آیات محکم

مضمون روایات شق صدر جسمانی قلب رسول الله ﷺ با محکّمات آیات قرآن در تضاد است. یکی از آیات محکم قرآن، این است که شیطان را بر بندگان مخلص خدا راهی نیست ﴿لَا غُورَ لَهُمْ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ﴾ (حجر: ۳۹-۴۰)؛ همچنین شیطان هیچ گونه تسلطی بر دل پیغمبران و مردان الهی ندارد ﴿إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ﴾ (حجر: ۴۲)؛ افزون بر آن با ضمیمه کردن آیه ﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا﴾ (انعام: ۱۲۵)؛ به آیه ﴿إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (نحل: ۴۰) هر چه را اراده کنیم کافی است بگوییم «موجود باش» بی درنگ موجود می شود؛ دیگر نیازی به شق صدر جسمانی توسط ملک یا پرنده و غیره نیست و هرگاه خداوند اراده نماید با ﴿كُنْ فَيَكُونُ﴾ تحقق می یابد (یس: ۸۲). اکنون سؤال مطرح این است که چگونه معتقدان به روایات شق صدر جسمانی قلب رسول الله ﷺ کتاب خدا و آیات محکم را نادیده گرفته و به سنت ظنیّه «روایات شق صدر جسمانی» که فقط مفید ظنّ است، تمسک می کنند؟

۶-۷- تناقض روایات شقّ صدر با عصمت رسول الله ﷺ

پذیرش وقوع شقّ صدر جسمانی قلب رسول الله ﷺ با عصمت پیامبر ﷺ که از آیه تطهیر استفاده می‌شود، منافات دارد؛ زیرا افزون بر اینکه مراد از «یُریدُ» در آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا»؛ (احزاب: ۳۳) اراده تکوینی است، اختصاص به زمانی خاص ندارد و اعتبار عصمت از اول عمر تا آخر عمر نبی ﷺ واجب است. با در نظر گرفتن الف و لام جنس در «الرِّجْسِ» خدا می‌خواهد تمامی انواع پلیدی‌ها و هیئت‌های خبیثه و رذیله را از نفس آنان ببرد و چنین ازاله‌ای با عصمت الهی منطبق می‌شود که انسان را از هر باطلی، چه عقاید و چه اعمال حفظ می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۳۰۵). با توجه به عصمت آن جناب، دیگر معنا ندارد که خدا در هر چند سال یک‌بار شرح صدر جسمانی برای آن حضرت اراده کند؛ افزون بر این لازمه شقّ صدر این است که قلب در هر چند سال پر از حقد و کینه شود تا به وسیله افرادی یا ملک، شست‌وشو داده شود که با عصمت پیامبر ﷺ منافات دارد.

نتیجه‌گیری

در سیر تاریخی و جریان‌شناسی شرح صدر رسول الله ﷺ، در آیه مبارکه «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ» (انشراح: ۱) نتایج زیر درخور توجه است:

۱- مفسران فریقین جملگی شرح صدر معنوی رسول الله ﷺ را تأیید کرده‌اند. برخی از مفسران فریقین روایات شرح صدر جسمانی را بیان نموده‌اند که به سبب روایات منقول میان مفسران اختلاف ایجاد شده است. از میان مفسران اهل سنت فخر رازی، بیضاوی، ابن کثیر، ثعالبی (قرن ۷-۹)، شنقیطی و ابن‌عاشور (قرن ۱۴)، شقّ صدر جسمانی رسول الله ﷺ را پذیرفته‌اند؛ اما بسیاری از قدمای شیعه به دلیل غیرواقعی دانستن این اخبار، ذکری از این ماجرا نکرده‌اند؛ برخی نیز این واقعه را رد و نقد نموده‌اند.

۲- افزون بر اینکه آنچه از شنیدن شرح صدر به ذهن متبادر می‌شود و در عرف به معنای شرح صدر روحانی اطراد دارد، سیاق آیات سوره انشراح نیز حاکی از شرح صدر روحانی و معنوی است؛ همچنین روایات دال بر شرح صدر جسمانی رسول الله ﷺ از جهت زمان، مکان، جراحان قلب مبارک، کیفیت شستن، در آنچه از قلب رسول الله ﷺ بیرون آوردند و آنچه در قلب آن بزرگوار گذاشتند؛ متهافت و غیرقابل جمع است که با عصمت رسول الله ﷺ و اراده الهی «كُنْ فَيَكُونُ» و روایات صحیح‌السند فریقین، منافات دارد.

۳- با استناد به سیر نزولی آیات شرح صدر در طول رسالت، ابتدا باید روح رسول الله ﷺ برای تلقی وحی و قبول رسالت، توسعه یابد و نفس آن حضرت نیز برای تحمل آزار قوم، سرور و انبساط داشته باشد؛ سپس با انقیاد محض و مقام رضا، ضمن صعود از عالم طبیعت به عالم حقیقت، با رهبری جامعه آنان را هدایت و

وحی الهی را بدون دخل و تصرفی تبیین نماید. ثمره هدایت، فتح مکه و دخول قریش در اسلام است؛ که با توجه به روایت «شرح صدر، به واسطه ولایت علی علیه السلام» این فتح و نصرت به واسطه علی علیه السلام و اولاد طاهرینش تا ابد ادامه دارد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق). زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دار الکتب العربی.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا). التحریر و التنویر، بیروت: نشر مؤسسة التاریخ.
۳. ابن عربی، محمد بن علی (۱۴۲۲ق). تفسیر ابن عربی (تأویلات عبدالرزاق)، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴. ابن عطیة اندلسی، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق). المحرّر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۶. ابن هشام حمیری، عبد الملک بن هشام (بی تا). السیرة النبویة، بیروت، دارالمعرفة.
۷. ابوالسعود، محمد بن محمد (بی تا). ارشاد العقل السلیم الی مزیای القرآن الکریم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: آستان قدس رضوی.
۹. ابو حمزه ثمالی، ثابت بن دینار (۱۴۲۰ق). تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دار المفید.
۱۰. ابو حیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق). البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر.
۱۱. امین، نصرت بیگم (بی تا). تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، بی جا، بی نا.
۱۲. آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۳. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
۱۴. بشوی، محمد یعقوب (۱۳۸۵). «دیدگاه فریقین درباره آیه شرح صدر»، طلوع نور، شماره ۲۰، صص ۷۵-۵۸.
۱۵. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق). معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. بنت الشاطی، عائشة محمد علی عبد الرحمن (بی تا). التفسیر البیان للقرآن الکریم، قاهره: دار المعارف.
۱۷. بیضاوی، عبد الله بن عمر (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: دارالفکر.
۱۸. تستری، ابو محمد سهل بن عبد الله (۱۴۲۳ق). تفسیر التستری، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۹. ثعالبی، عبد الرحمن بن محمد (۱۴۱۸ق). تفسیر الثعالبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۰. ثعلبی نیشابوری، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق). الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۱. ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸ق). تفسیر روان جاوید، تهران: نشر برهان.
۲۲. جبران، مسعود، (۱۳۷۳). الرائد، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات قدس رضوی.
۲۳. جرجانی، حسین بن حسن (۱۳۷۸ق). جلاء الأذهان و جلاء الأحزان (تفسیر گازر)، تهران: دانشگاه تهران.
۲۴. جوادی آملی، عبد الله (۱۳۹۲). تفسیر تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۵. حجازی، محمد محمود (۱۴۱۳ق). التفسیر الواضح، بیروت: دار الجیل.
۲۶. حسینی همدانی، سید محمد (۱۴۰۴ق). انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی.
۲۷. حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا). تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر.

۲۸. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق). نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.
۲۹. خطیب، عبدالکریم (۱۴۲۴ق). التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت: دار الفکر العربی.
۳۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالشامیه.
۳۱. زحیلی، وهبة بن مصطفى (۱۴۱۸ق). التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، بیروت: دار الفکر.
۳۲. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی.
۳۳. میری، زهراسادات (۱۳۹۶). شرح صدر در قرآن و روایات، بی جا: بیکران دانش.
۳۴. سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر (۱۳۷۲). تفسیر شریف بیان السعادة فی مقامات العبادة، تهران: سر الاسرار.
۳۵. سید بن قطب، ابن ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲ق). فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق.
۳۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۳۷. شتیطی، محمدامین (۱۴۲۷ق). أضواء البیان فی إيضاح القرآن بالقرآن، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
۳۸. صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۶۵). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: فرهنگ اسلامی.
۳۹. طالقانی، محمود (۱۳۶۲). پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۴۰. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۱. طبرسی، فضل (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۴۲. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
۴۳. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۴۴. طیب، سید عبد الحسین (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: نشر اسلام.
۴۵. عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰). تفسیر عاملی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: نشر انتشارات صدوق.
۴۶. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق). نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.
۴۷. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۴۸. فراء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰م). معانی القرآن، قاهره: هیئة المصریة العامة للکتاب.
۴۹. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ق). الصافی، تهران: الصدر.
۵۰. قاضی عبدالجبار بن احمد (بی تا). متشابه القرآن، قاهره: مکتبه دار التراث.
۵۱. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۵۲. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). تفسیر القمی، قم: دار الکتب.
۵۳. کربلایی پازوکی، علی (۱۳۷۸). «سرگذشت شق صدر النبوی»، از پندار تا حقیقت»، کلام اسلامی، شماره ۳۱، صص ۱۱۲-۱۲۷.
۵۴. کربلایی پازوکی، علی (۱۳۸۵). «شق صدر و عصمت نبی»، انجمن معارف اسلامی ایران، شماره ۷، صص ۱۰۵-۱۲۸.
۵۵. کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). تفسیر فرات الکوفی، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی.

٥٦. ماوردى، على بن محمد (بى تا). النكت و العيون تفسير الماوردى، بيروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد على بيضون.

٥٧. مراغى، احمد بن مصطفى (بى تا). تفسير المراغى، بيروت: دار احياء التراث العربى.

٥٨. مصطفوى، حسن (١٤٣٠ق). التحقيق فى كلمات القرآن الكريم، بيروت: دار الكتب العلمية.

٥٩. مظهرى، محمد ثناء الله (١٤١٢ق). التفسير المظهرى، باكستان: مكتبة رشديه.

٦٠. فيومى، احمد بن محمد (١٤٠٥ق). المصباح المنير، قم: الهجرة.

٦١. مكارم شيرازى، ناصر (١٣٧٤). تفسير نمونه، تهران: دارالكتب الاسلامية.

٦٢. ميبدى، احمد بن محمد (١٣٧١). كشف الاسرار و عدة الابار، تهران: اميركبير.

٦٣. نخجوانى، نعمت الله (١٩٩٩م). الفواتح الالهية و المفاتيح الغيبية، مصر: دار ركابى.

٦٤. نسفى، عبد الله بن احمد (١٤١٦ق). مدارك التنزيل و حقايق التاويل، بيروت: دار النفائس.

٦٥. هوارى، هود بن محكم (١٤٢٦ق). تفسير كتاب الله العزيز، بى جا: دار البصائر.